هُوَ
۱۲۱

۱۵۷

سلسله درسهای عرفانی

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

یک نکته‌ای که ما برای نشان دادن نیّت و نظر عرفان و عرفا داریم این است که در واقع به صُوَر مختلف می‌گوییم: ما، در سیاست دخالت نمی‌کنیم و از طرفی معتقدیم که درویش باید تمام دستوراتِ اسلامی، دستورات شرعی را با اعتقادِ کامل، عمل کند. دشمنان اسلام و عرفان از خیلی قدیم، حتّی وقتی در کتاب‌ها آمده، این نکته را متوجّه نشدند چون تعلیمات و دستورات شرعی کُنه مطلب را خودشان نمی‌گویند. ظاهر مطلب گفته می‌شود و در اختیار بندگان خدا قرار می‌گیرد ولی خود آنها باید توجّه کنند یعنی ما باید توجّه کنیم که می‌گوییم: «لااله الّا الله» معنی‌اش چیست؟ این «اله» چیست که الهی غیر از آن نیست؟ غیر از کی؟ غیر از الله. اگر این نیست، این دو تاست، این را متوجّه می‌شویم به‌خصوص هر چه بیشتر در معنای این جمله غرق بشویم، بیشتر به واقعیتش و به معنای حقیقی‌اش پی می‌بریم. امّا در شریعت آن درجاتی را که خداوند هم اشاراتی کرده و بزرگان هم گفته‌اند که قرآن را بطنی است و آن بطن را بطنی است، همینطور تا هفتاد بطن یعنی قرآن یک معنای ظاهری دارد، یک معنایی که در آن نهفته است و باز معنایی که در آن یکی نهفته است، تا هفتاد درجه یعنی برحسبِ درجات قدرتِ شما.

برای اینکه روشن بشود، مثالِ خوراکی بزنیم چون بشر زنده به خوراک است. بنابراین مثالِ خوراک را بهتر درک می‌کند. این فلفل‌های گیاهی انواع مختلف دارد، یک فلفلی هست که خوردن آن برای من خیلی مشکل است، تند است. برای شما، خیلی ساده است. باز برای آن درجه‌ای بالاتری هست که هر یک از این درجات را بخواهیم به زبان بیاوریم، جز لغت «تند» نیست، می‌گوییم فلفل غذایی «تند» است ولی همین «تند» که ما می‌گوییم، یک لغت در فارسی، هفتاد بطن دارد یعنی هفتاد رقم است. همینطور معانی‌ای که ما می‌گوییم، معنای واقعی‌اش را فقرا باید درک کنند.

البتّه دخالت در سیاست نمی‌کنیم، به این معنی که در یک دورانی تاریخ اسلام به ما نشان می‌دهد، در دورانی بعد از رحلت سرورِ اولیاء حضرت رسول، تا مدّتی علی علیه‌السلام ساکت بود و آرام، با خلفا همراهی می‌کرد و حتّی آنها هم اگر اشتباهی داشتند، اشتباه را تذکّر می‌داد و آنها هم قبول می‌کردند. در اینجا نیازی نبود علی علیه‌السلام در سیاست دخالت کند یعنی علی آنچه می‌خواست، به دست خلفای ما قبلِ خودش اجرا می‌شد، فقط هر جا انحرافی می‌دید، آن انحراف را تذکّر می‌داد.

سیاست به معنی اداره کردن جامعه‌ی انسانی است. این اداره کردن امری لازم است یعنی بشر، همین که جامعه اجتماعی است، با هم نشسته‌اند، باید مدیریتش را منظّم کنند. آن نظم اگر از جانب الهی بود سیاست، سیاستِ الهی است. اگر از جانب الهی نبود، سیاست از جانب الهی نیست و آن کسی که چنین سیاستی دارد، مثل خیلی دوران‌های قدیم اسلامی، آن را نمی‌شود گفت حکومت اسلامی و خلافت اسلامی. ما همیشه دخالت در آن اندازه‌ای می‌کنیم که در سیاستِ بدون انحراف دخالت کنیم

که الان یک موجبی برای این پیدا شده که هر چند وقتی یک‌بار، مسأله‌ی انتخابات و اینهاست که اینها به تشخیص خودِ شما سپرده شده. همانطوری که در بسیاری مسائل اجتماعی، حقوقی، زندگیِ خودمان از دیگران مشورت می‌کنیم، در این قضیه هم البتّه مشورت می‌گیریم و بدیهی است که چند نفر درویشی که از لحاظ معنویّت، از لحاظ به‌اصطلاح اساسِ حیات بشری، با هم مشترک و یکنواختند، غالباً نتیجه‌ی مشاوره‌شان یکنواخت می‌شود و با هم متّحد می‌شوند. نه اینکه این کار هدف است، هدف آن است که به اندازه‌ای که وظیفه‌ی انسانیِ من هست، وظیفه‌ی انسانی یک مسلمانِ معتقد و یک مسلمانِ عارف اقتضاء می‌کند، انجام بدهیم. زائد بر آن، سیاست‌های غلط است و ما، در آن دخالت نمی‌کنیم ولی در اداره‌ی مملکت دخالت می‌کنیم یعنی وقتی نظمی گرفتیم، مقرّراتی برای خودمان قرار دادیم، خودمان آن مقرّات را دقیقاً اداره می‌کنیم زیرا این مؤمنین هستند که وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ (سوره شوریٰ، آیه ۳۸) امر و کارهایشان در مشورت بین خودشان انجام می‌شود یعنی خداوند فرموده است که تا پیغمبر هست، آنچه صریحاً خدا بگوید توسط پیغمبر می‌گوید ولی بعداً این اختیار را به خودِ مؤمنین داده است منتها نه به فرد فردِ مؤمنین، به جمعِ مؤمنین یعنی مؤمنین با هم شوریٰ کنند و تصمیم بگیرند. بنابراین، این روشِ مؤمنین است که به اندازه‌ی وظیفه‌ی الهی با هم هستند و با هم اداره می‌کنند و زائدِ بر آن هر کدام خودشان را در دنیا مستقل می‌دانند.

ان‌شاءالله خداوند ما را توفیق به درک این مسأله بدهد و بالنتیجه اجرا کنیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۳۰، جلسه برادران ایمانی)

*****

رشته‌های علمی که بعداً پیدا شد، روانشناسی، روانکاوی و خیلی از این قبیل و خیلی رشته‌هایی که کم‌کم از آن جدا شد یعنی فلسفه مرتّباً زایید، یک علمی زایید و این علم خودش بزرگ شد. علمای روانکاوی جزء غریزه‌هایی که در انسان هست، می‌نویسند غریزه‌ی حبّ ذات. بطور دسته‌جمعی غریزه‌ی حبّ ذات و غریزه‌ی حبّ نوع.

حبّ ذات یعنی هر موجودی، حتّی جمادات هم این را دارند که خودشان را حفظ می‌کنند. در شیمی مثلاً می‌گویند که فلان چیز خیلی سخت است و به‌هیچ‌وجه تجزیه نمی‌شود یعنی خودش را می‌خواهد حفظ کند، داشته باشد. یکی هم حفظ نوع.

حفظ نوع در جانداران دیده می‌شود. هر جانداری می‌خواهد بدون اینکه خودش بخواهد، حیوانات را می‌بینیم، نر و مادّه دارد و نسل می‌آورند. می‌گویند در واقع این علاقه‌مندی دارد به اینکه نسلش باقی باشد و حتّی در انسان هم همینطور. امّا علمای تازه، (از علومِ تازه‌رسته) یک چیزهای تازه‌ای می‌گویند مثلاً در همین مورد.

غریزه‌ی مرگ به‌عکس حبّ ذات که می‌گویند یعنی هر انسانی بدون اینکه خودش صریحاً بخواهد، طالب مرگ است. به این معنی که هر روزی که هست، می‌گوید: فردا این کار را خواهم کرد. همیشه از فردا دم می‌زند. خود این، علامت وجودِ یک غریزه‌ای است که آن غریزه اشخاص را وادار می‌کند شاید این حرف ظاهرش درست است البتّه آن چیزی که می‌گویند غریزه، این همیشه ظاهر نیست که دیده بشود ولی ما تعبیر دیگری از این داریم. می‌گوییم این غریزه‌ی مرگ نیست. این غریزه این نیست که هر لحظه بخواهد که لحظه‌ی گذشته‌اش تمام بشود از بین برود و یک لحظه‌ی جدید

بیاید، نه! انسان و همه‌ی حیوانات در طبیعتشان این است که می‌خواهند هر لحظه بهتر از لحظه‌ی قبل باشند و چون این خواسته را دارند، به‌خصوص اگر از وضع فعلیِ خودشان ناراضی باشند، همیشه از بین رفتنِ آن لحظه و لحظه‌ی شادی را می‌خواهند. این غریزه است یعنی بطور طبیعی هیچکسی نیست که بهتر شدن را نخواهد. منتها بعضی‌ها این بهتر شدن را درک نمی‌کنند که بهتر شدن چطوری است. البتّه چشم‌های نزدیک‌بین که فقط الان را می‌بینند و خیلی نزدیک را می‌بینند، این بهتر شدن را در همین لحظه می‌خواهند یعنی مدّت طولانی نیست ولی تکاملی که انسان دلش می‌خواهد و اگر در راه حق سلوک کند، کم‌کم به آن می‌رسد، این تکامل و بهتر شدنِ در تمام مسیر است چون بهتر شدن یا بدتر شدن در یک جایی قطع نمی‌شود، همیشه امکان دارد که بهتر از لحظه‌ی قبل باشد، حدِّ یَقِف ندارد. این کار در واقع یک تمایلی است که در ذهن همگی به‌خصوص سالکانِ راهِ حق، همیشه این هست و این نشان‌دهنده‌ی این است که سالک نمی‌خواهد در یک جا و در یک قدم بایستد. در هر قدم می‌خواهد، یک قدم بعدی بردارد. همین وضعی که آن روانکاوها تعبیر به مرگ می‌کنند یعنی چون نظر به این می‌کنند که این رفتن به یک قدم دیگر یعنی به برگشتن قدمِ گذشته و از بین رفتنِ آن، نظر به مرگش داشتند ولی مؤمن نظر به کمالش داشته و نظر به ادامه‌ی کمال و هر لحظه بهتر و کاملتر از دفعه‌ی پیش. البتّه در اینجا علم روانکاوی از این جهت به نفع ما می‌شود که این تمایل و این میلِ به تکامل و صعود، منحرف نشود یعنی آنقدر غلبه نکند بر تمام تمایلات و امیال صحیحِ ما که آنها را هم زیر نظر بگیرد. مؤمن کارش همین است که این را منظّم نگه‌می‌دارد، این را هدر نمی‌دهد. البتّه گاهی عجله می‌کنند، آن عجله‌ای که در خودِ راه باشد، بلا اشکال است ولی خیلی‌ها در اثر عجله از راه خارج می‌شوند. این را هم باید مؤمن توجّه بکند، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱، جلسه برادران ایمانی)

*****

طبق نوشته‌هایی که در قرآن و سایر کتب الهی هست، خداوند در اوّل خلقت به بشر فرمود: این همه جانداران را که آفریدم، بر اینها مسلّط باش یعنی برو کره‌ی زمین را اداره کن. شاید به این حساب هم هست که روان‌شناسان و زیست‌شناسان تشخیص دادند که یک حسّ خودخواهی و خودپسندی نه از لحاظ خودخواهی یعنی ترک دیگران نه! حسّ شعور دارد که وجودی الان دارد و این وجود را می‌خواهد حفظ کند، نگه‌دارد. یک چنین حسّی در بشر ایجاد شده که قاعدتاً منشأ آن همان خلقت خداوند است. ما از خلقت سایر جانداران خبر نداریم، شاید مثلاً اسب و الاغ را هم که می‌آفریده، آنها وقتی دیدند تنها هستند، از خدا خواستند، به آنها گفته: تو هم راحت باش، نمی‌دانیم! ولی ما از خودِ بشر که می‌بینیم، این بشر است. به این حساب همه چیز را از دیدِ خودش می‌بیند. خیلی‌ها اعتراض می‌کنند، یک مقداری حرفی می‌زنند و می‌گویند: خداوند که می‌گوید به عدالت رفتار می‌کنم، چرا مثلاً چنین کاری شده است؟ آخر مبنای کار خداوند و اینکه طبق چه روشی رفتار می‌کند که به دست من و شما نیست که من بگویم این روش صحیح است یعنی آنچه که این روش هست، صحیح است این کار خداوند را بر عدالت منطبق نکنید بلکه عدالت را بر آن منطبق کنید. به‌خصوص در دنیای امروز همه‌ی این مسائلی که دارد رخ می‌دهد، غالباً ما می‌گوییم این چرا اینطوری شده؟ این کشتارها این بیماری‌ها، اینها دور از عدالت خداوند است. خداوند خودِ بشر را آفریده، گفته: بفهم که عدالتش

کجاست؟ اینها کارهایی که تو می‌بینی، اصلش عدالت است امّا نامرادی و ناراحتیِ از آن، کار ما انسان است. این مسأله در مورد خودِ فردِ انسان هم مصداق دارد یعنی نگاه کنید آنچه ناراحتی برای ما هست، آنچه که ما ناراحتی می‌دانیم، از ناحیه‌ی خودِ ما و از ناحیه‌ی امثال خودِ ما است یعنی همه‌ی بشرهایی که امثال ما هستند. از ناحیه‌ی خلقت خداوند نیست یعنی اگر جهان مطابق عدالتی که ما می‌خواهیم، رفتار کنیم، اینطور نمی‌شود ولی خداوند این را عدالت نمی‌داند. آنچه که خداوند می‌کند به‌عنوان مدیریت تمام جهان و تمام خلقت است یعنی اگر ما از تمام خلقت خبر داشته باشیم و بدانیم این چنین واقعه‌ای منطبق با خلقت خداوند است، همین قاعده را، همین روش را در زندگی و افکار خودمان پیاده کنیم، تمام این گرفتاری‌هایی هم که برای ما (برای بشر بطور کلّی) ایجاد می‌شود، از ناحیه‌ی خداوند نیست یعنی از ناحیه‌ی خداوند هست منتها خداوند اجازه داده که اینطور باشد. اجازه داده این بشری که به‌عنوان وکیلِ او هست، گاهی در وکالت خطا می‌کند ولی حتّی انبیاء و اولیاء را هم که بعضی در طیّ تاریخ کشتند، همه‌ی آن قتل‌ها قدم‌هایی است برای تکامل بشر یعنی این بشر اینقدر خشن است که از خصوصیّاتش خشونت است که یعنی هیچکس غیر از خودش را باور ندارد منتها خداوند به همین بشر اختیار و نمایندگی داده، قدرت داده که ببیند چطور اداره می‌کند. دارد، در خیلی از موارد خداوند یک اختیاراتی، چیزهایی به عدّه‌ای داد، لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (سوره یونس، آیه ۱۴) فرمود: تا ببینیم چطوری رفتار می‌کنی.

بنابراین آنچه که الان در بشریّت انجام می‌شود و مورد انتقاد ما هست، این انتقاد بر خودِ ما بشرها وارد است. دست ما به همه‌ی بشرها که نمی‌رسد، خودمان که قدرت داریم باید سعی کنیم تمام گردش، گردش روزگار منطبق با امر الهی و منطبق با محبّت باشد. به‌همین‌جهت هم ما گفتیم که به‌قول آن نویسنده‌ی داخلی که گفت: «گاندی‌های امروز» ما، در اسم، در تبلیغ، در گفتار گاندی‌هایی هستیم یعنی باید با محبّت و عشق رفتار کنیم، اصلمان همین است و خشونت در کار نیست. ما این را نشان دادیم که خشونت کارساز نیست، ملایمت و مهربانی در همه‌ی امور کارساز است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به معروف و نهی از منکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.